

Preposition of Time and Place in English with Example Sentences

حرف اضافه زمان و مکان در زبان انگلیسی با مثال و جمله

حرف اضافه یک کلمه است مثل *in, from, to, at, on, etc* که قبل از یک اسم یا ضمیر استفاده می شود برای نشان دادن مکان، موقعیت، زمان و روش چیزی.

حرف اضافه زمان: *in, on, at, etc.*

مثال حرف اضافه *in* برای زمان:

| Preposition | Usages                       | Examples                                                                                                                                                                                      |
|-------------|------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| In          | Centuries<br>قرن ها          | The event happened <i>in the 20th century</i> . She was the only writer born <i>in the 19th century</i> .<br>رویداد در قرن بیستم رخ داد.<br>اون تنها نویسنده بود که در قرن ۱۹م دنیا آمده بود. |
|             | Seasons<br>فصل ها            | I'm going to France <i>in the winter</i> .<br>در زمستان به فرانسه می روم.<br>He likes going to the beach <i>in the summer</i> .<br>او دوست دارد که در تابستان به ساحل برود.                   |
|             | Years<br>سال ها              | He was born <i>in 1990</i> . This house was built <i>in 2000</i> .<br>او در سال ۱۹۹۰ دنیا آمده بود. این خانه در سال ۲۰۰۰ ساخته شده است.                                                       |
|             | Months<br>ماه ها             | We'll take the test <i>in June</i> .<br>در ماه جون امتحان می دهیم.<br>They are going to get married <i>in December</i> .<br>اونما قراره که در ماه دسامبر ازدواج کنند.                         |
|             | Parts of day<br>قسمتی از روز | He usually has a snack <i>in the afternoon</i> .<br>او معمولا در بعدازظهرها اسنک می خورد.<br>I get up at 6 am <i>in the morning</i> .<br>من ۶ صبح از خواب پا می شوم.                          |
|             |                              |                                                                                                                                                                                               |

حرف اضافه "in" با مثال در انگلیسی:

حرف اضافه "in" در زبان انگلیسی کاربردهای مختلفی دارد که تعدادی از آنها به همراه مثال در ادامه آمده است:

1. بیان مکان:

The book is in the bag.

کتاب در کیف است.

I live in Iran.

من در ایران زندگی می کنم.

*The cat is in the tree.*

گربه روی درخت است.

*The water is in the cup.*

آب در فنجان است.

*The city is in the mountains.*

شهر در کوهستان است.

**2. بیان زمان:**

*I will see you in the morning.*

صبح تو را می‌بینم.

*The meeting is in an hour.*

جلسه در یک ساعت دیگر است.

*The store is open in the summer.*

فروشگاه در تابستان باز است.

*I was born in 1990.*

من در سال ۱۹۹۰ متولد شدم.

*The event will take place in the future.*

این رویداد در آینده اتفاق خواهد افتاد.

**3. بیان حالت:**

*She is in a good mood.*

او حال خوبی دارد.

*I am in trouble.*

من در مشکل هستم.

*The country is in a state of war.*

کشور در وضعیت جنگ است.

*He is in love with her.*

او عاشق او است.

*The team is in the lead.*

تیم در حال پیشتازی است.

**4. بیان وسیله:**

*I wrote the letter in pen.*

نامه را با خودکار نوشتم.

*She painted the picture in oil.*

او نقاشی را با رنگ روغن نقاشی کرد.

*The food was cooked in the oven.*

غذا در فر پخته شد.

*The house was built in stone.*

خانه از سنگ ساخته شده بود.

*The message was sent in a bottle.*

پیام در بطری فرستاده شد.

**5. بیان جزئی از کل:**

*There is a fly in my soup.*

مگسی در سوپ من است.

*There is a lot of sugar in this cake.*

این کیک شکر زیادی دارد.

*There is a problem with the car.*

مشکلی در ماشین وجود دارد.

*There is a difference between the two theories.*

تفاوت‌هایی بین این دو نظریه وجود دارد.

*There is a hope for peace.*

امیدی برای صلح وجود دارد.

**نکات مهم:**

**حرف اضافه "in"** می‌تواند قبل از اسم، ضمیر، عبارت اسمی و جمله قرار بگیرد.

بعد از حرف اضافه "in" اسم یا گروه اسمی می‌آید.

**ترجمه "in"** به فارسی بستگی به مورد استفاده آن دارد و می‌تواند معانی مختلفی مانند در، داخل، درون، در میان، با، به وسیله، در حال و غیره داشته باشد.

با استفاده درست از حرف اضافه "in" می‌توانید به وضوح و دقت در گفتار و نوشتار خود دست پیدا کنید.

**مثال‌های بیشتر:**

in the car در ماشین

in the park در پارک

in the hospital در بیمارستان

in the sky در آسمان

in the water در آب

in the end در نهایت

in conclusion در نتیجه

in my opinion به نظر من

in a few days در چند روز

in a hurry با عجله

## حرف اضافه "on" برای زمان در انگلیسی

|    | Usages                      | Examples                                                                                                                                                                                     |
|----|-----------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| On | Days<br>روزها               | My mom always goes shopping <u>on Mondays</u> .<br>مامان من همیشه دوشنبه‌ها میره خرید.<br>He doesn't go to school <u>on Sundays</u> .<br>او یکشنبه‌ها مدرسه نمی‌رود.                         |
|    | Dates<br>روز تقویم          | Her birthday is <u>on the first of May</u> .<br>تولد او اول می هست.<br>He's leaving <u>on the fifth of October</u> .<br>او داره پنجم اکتبر میره.                                             |
|    | Particular days<br>روز مشخص | I wish to get a car <u>on my birthday</u> .<br>آرزو دارم که روز تولدم ماشین بگیرم.<br>Jim gave his girlfriend a rose <u>on Valentine's Day</u> .<br>جیم به دوست دخترش روز ولنتاین یک رز داد. |

کاربردهای "on" برای بیان زمان:

1. روزهای هفته:

on Monday دوشنبه

on Tuesday سه شنبه

on Wednesday چهارشنبه

on Thursday پنجشنبه

on Friday جمعه

on Saturday شنبه

یکشنبه on Sunday

2. تاریخ:

اول ژانویه on January 1st

24 فوریه on February 24th 24

8 مارس on March 8th 8

1 آوریل on April 1st

5 مه on May 5th 5

6 ژوئن on June 6th 6

4 جولای on July 4th 4

1 اوت on August 1st

11 سپتامبر on September 11th 11

31 اکتبر on October 31st 31

11 نوامبر on November 11th 11

25 دسامبر on December 25th 25

3. تعطیلات:

کریسمس on Christmas

روز سال نو on New Year's Day

عید پاک on Easter

روز شکرگزاری on Thanksgiving

روز ولنتاین on Valentine's Day

4. در زمان‌های خاص:

on time به موقع

on arrival با رسیدن

on departure با عزیمت

on completion با اتمام

on hold در انتظار

نکات مهم در مورد حرف اضافه on برای زمان در انگلیسی:

قبل از روزهای هفته، تاریخ و تعطیلات نیازی به استفاده از حرف تعریف نیست.

برای بیان روزهای خاص مانند "روز مادر" یا "روز پدر" می‌توان از "on Mother's Day" یا "on Father's Day" استفاده کرد.

برای بیان زمان‌های تقریبی مانند "صبح زود" یا "شب دیر" از "in the early morning" یا "in the late"

”evening استفاده می‌شود.

با استفاده درست از حرف اضافه ”on“ برای بیان زمان، می‌توانید به وضوح و دقت در گفتار و نوشتار خود دست پیدا کنید.

### مثال‌های بیشتر حرف اضافه on در انگلیسی:

on my birthday در روز تولدم

on the weekend در آخر هفته

on the next day در روز بعد

on the first day of school در اولین روز مدرسه

on the last day of the year در آخرین روز سال

### ”برای زمان در انگلیسی: حرف اضافه at“

حرف اضافه ”at“ در زبان انگلیسی کاربردهای مختلفی دارد که یکی از آنها اشاره به زمان است.

کاربردهای ”at“ برای بیان زمان:

۱. ساعت‌های خاص:

at 10 a.m. ساعت ۱۰ صبح

at 5 p.m. ساعت ۵ بعد از ظهر

at noon ظهر

at midnight نیمه شب

at breakfast هنگام صبحانه

at lunch هنگام نهار

at dinner هنگام شام

۲. در زمان‌های خاص:

at the beginning در آغاز

at the end در انتها

at the moment در حال حاضر

at the same time در همان زمان

at first در ابتدا

at last در نهایت

۳. در موقعیت‌های خاص:

at home در خانه

at work در محل کار

at school در مدرسه

در پارک *at the park*

در ساحل *at the beach*

در فروشگاه *at the store*

### نکات مهم حرف اضافه:

قبل از زمان‌های خاص نیازی به استفاده از حرف تعریف نیست.

برای بیان زمان‌های تقریبی مانند «صبح زود» یا «شب دیر» از «*in the early morning*» یا «*in the late evening*» استفاده می‌شود.

برای بیان بازه‌های زمانی مانند «از ۱۰ صبح تا ۵ بعد از ظهر» از «*from 10 a.m. to 5 p.m.*» استفاده می‌شود.

با استفاده درست از حرف اضافه «*at*» برای بیان زمان، می‌توانید به وضوح و دقت در گفتار و نوشتار خود دست پیدا کنید.

### مثال‌های بیشتر:

در سن ۱۸ سالگی *at the age of 18*

در جلسه *at the meeting*

در مطب دکتر *at the doctor's office*

در سینما *at the movies*

در کنسرت *at the concert*

در مهمانی *at the party*

| Preposition | Usages                                       | Examples                                                                                                                                                                                     |
|-------------|----------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| At          | Clock time<br>ساعت                           | <i>My grandpa goes to bed <b>at 9 pm.</b></i><br>پدربزرگم ساعت ۹ شب میره به رختخواب.<br><i>My wife starts working <b>at 8am.</b></i><br>همسرم ساعت ۸ صبح کارش رو شروع می‌کنه.                |
|             | Short and precise times<br>کوتاه و دقیق زمان | <i>at night, at noon, at lunchtime, at sunset</i><br><i>Don't stay up <b>late at night.</b></i><br>تا دیر وقت شبا بیدار نمون.<br><i>See you <b>at lunchtime.</b></i><br>موقع ناهار می‌بینمت. |

..., *in, on, at, behind, above, in front of, under* حرف اضافه مکان:

حرف اضافه مکان ربط داده میشه به مکان و آدرس دادن.

برای مکان "in" حرف اضافه

|    | Usages                                 | Examples                                                                                                                                                                                                                                                                                        |
|----|----------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| In | Room, town, country<br>اتاق، شهر، کشور | <i>The baby has gone. She isn't <b>in the room</b>.</i><br>بچه رفته! او توی اتاقش نیست.<br><i>He's working <b>in New York</b> now.</i><br>او الان داره توی نیویورک کار میکنه.<br><i>Nina is an American. She was born <b>in America</b>.</i><br>نینا آمریکایی هست. او توی آمریکا دنیا آمده است. |
|    | Car, taxi<br>ماشین، تاکسی              | <i>There's a doll <b>in the car</b>.</i><br>یک عروسک توی ماشین است.<br><i>I'm <b>in the taxi</b> now. I'll get there in 5 minutes.</i><br>من توی تاکسی هستم الان. ۵ دقیقه دیگه اونجا هستم.                                                                                                      |
|    | Picture<br>عکس                         | <i>Who's this gorgeous lady <b>in the picture</b>?</i><br>این خانم جذاب کی هست توی عکس؟<br><i>What can you see <b>in the picture</b>?</i><br>چی می‌تونی توی عکس ببینی؟                                                                                                                          |
|    | Book<br>کتاب                           | <i>I saw this writer <b>in the book</b> Harry Potter.</i><br>این نویسنده رو توی کتاب هری پاتر دیدم.<br><i>There are lots of breathtaking pictures <b>in the book</b>.</i><br>عکس‌های خارق‌العاده زیادی در این کتاب است.                                                                         |
|    | The World<br>جهان                      | <i>Which is the longest river <b>in the world</b>?</i><br>کدوم طولانی‌ترین رود در جهان است؟<br><i>Have a look at the 3 best countries <b>in the world</b>. What do you think?</i><br>نگاهی به سه تا از بهترین کشورهای دنیا بیاندازید. نظر شما چیست؟                                             |

حرف اضافه "in" در زبان انگلیسی:

کاربردهای مختلفی دارد که یکی از آنها اشاره به مکان است.

کاربردهای "in" برای بیان مکان:

## 1. مکان‌های بسته:

in the house در خانه  
in the room در اتاق  
in the box در جعبه  
in the car در ماشین  
in the bag در کیف

## 2. مکان‌های بزرگ:

in the city در شهر  
in the country در کشور  
in the world در جهان  
in the park در پارک  
in the forest در جنگل

## 3. موقعیت‌های خاص:

in bed در رختخواب

in prison در زندان  
in hospital در بیمارستان  
in trouble در مشکل  
in love عاشق

## نکات مهم حرف اضافه in برای مکان:

با استفاده درست از حرف اضافه «in» برای بیان مکان، می‌توانید به وضوح و دقت در گفتار و نوشتار خود دست پیدا کنید.

## مثال‌های بیشتر:

in the corner در گوشه  
in the middle در وسط  
in the front در جلو  
in the back در پشت  
in the north در شمال  
in the south در جنوب  
in the east در شرق  
in the west در غرب

نکته:

- حرف اضافه «in» معانی مختلفی دارد و بستگی به مورد استفاده آن ترجمه آن متفاوت خواهد بود.  
مثال:

*The book is in the bag.* کتاب در کیف است.

*I live in Iran.* من در ایران زندگی می‌کنم.

*The meeting is in an hour.* جلسه در یک ساعت دیگر است.

در هر کدام از این مثال‌ها، «in» معنی متفاوتی دارد.

- در مثال اول، «in» به معنی «داخل» است.
- در مثال دوم، «in» به معنی «در» است.
- در مثال سوم، «in» به معنی «بعد از» است.

با توجه به این نکته، باید در انتخاب ترجمه مناسب برای «in» دقت کافی داشته باشید.

برای مکان on حرف اضافه

| Preposition | Usages | Examples |
|-------------|--------|----------|
|-------------|--------|----------|

|    |                                                              |                                                                                                                                                                                                                                                  |
|----|--------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| On | Streets<br>خیابان                                            | My house is <u>on Jackson street</u> .<br>خانه من در خیابان جکسون است.<br>The kids are playing <u>on the street</u> .<br>بچه‌ها دارند در خیابان بازی می‌کنند.                                                                                    |
|    | Islands<br>جزیره                                             | He lives <u>on this island</u> .<br>او در این جزیره زندگی می‌کند.<br>There are not many people living <u>on that island</u> .<br>افراد زیادی توی این جزیره زندگی نمی‌کنند.                                                                       |
|    | Surfaces:<br>table, floor, wall<br>سطوح:<br>میز، زمین، دیوار | My teacher put the books <u>on the table</u> .<br>معلم من کتاب رو گذاشت روی میز.<br>Please put your shoes <u>on the floor</u> .<br>لطفا کفش‌ت رو بذار روی زمین.<br>The picture <u>on the wall</u> is fantastic.<br>قاب عکس رو دیوار بی‌نظیر است. |
|    | A certain side<br>left, right<br>یک طرف<br>مشخص              | Max is the tall boy standing <u>on the right</u> .<br>مکس او قد بلنده هست که سمت راست ایستاده.<br>The human heart is <u>on the left side</u> .<br>قلب انسان سمت چپ است.                                                                          |

|             |        |          |
|-------------|--------|----------|
| Preposition | Usages | Examples |
|-------------|--------|----------|

|    |                                      |                                                                                                                                                                                                           |
|----|--------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| On | Public transports<br>حمل و نقل عمومی | <p>We're <u>on the bus</u>.<br/>ما توی اتوبوس هستیم.</p> <p>Please switch your phone into airplane mode if you're <u>on a plane</u>.<br/>لطفا مود گوشی رو بذارید روی پرواز اگر توی هواپیما هستید.</p>     |
|    | TV, radio                            | <p>I saw her yesterday <u>on TV</u>.<br/>او رو دیروز توی تلویزیون دیدم.</p> <p>There have been lots of advertisements <u>on the radio</u> these days.<br/>این روزها تبلیغات زیادی توی رادیو بوده است.</p> |

برای مکان "on" حرف اضافه

حرف اضافه "on" در زبان انگلیسی کاربردهای مختلفی دارد که یکی از آنها اشاره به مکان است.

کاربردهای "on" برای بیان مکان:

1. سطوح:

on the table روی میز

on the chair روی صندلی

on the floor روی زمین

on the wall روی دیوار

on the bed روی تخت

2. اشیاء:

on the plate روی بشقاب

on the book روی کتاب

on the map روی نقشه

on the screen روی صفحه

on the phone با تلفن

3. مکان‌های خاص:

on the island در جزیره

on the coast در ساحل

on the mountain در کوه

در مزرعه *on the farm*

در خیابان *on the street*

### نکات مهم:

- قبل از اسم مکان معمولاً نیازی به استفاده از حرف تعریف نیست.
  - برای بیان مکان‌های خاص مانند «ایران» یا «آمریکا» از «*in Iran*» یا «*in the United States*» استفاده می‌شود.
  - برای بیان مکان‌های عمومی مانند «خیابان» یا «میدان» از «*on the street*» یا «*in the square*» استفاده می‌شود.
- با استفاده درست از حرف اضافه «*on*» برای بیان مکان، می‌توانید به وضوح و دقت در گفتار و نوشتار خود دست پیدا کنید.

### مثال‌های بیشتر:

در سمت چپ *on the left*

در سمت راست *on the right*

در بالا *on the top*

در پایین *on the bottom*

در لبه *on the edge*

### نکته حرف اضافه *on* برای مکان:

- حرف اضافه «*on*» معانی مختلفی دارد و بستگی به مورد استفاده آن ترجمه آن متفاوت خواهد بود.

### مثال:

کتاب روی میز است. *The book is on the table.*

من در جزیره زندگی می‌کنم. *I live on the island.*

جلسه در روز دوشنبه است. *The meeting is on Monday.*

### در هر کدام از این مثال‌ها، «*on*» معنی متفاوتی دارد.

- در مثال اول، «*on*» به معنی «روی» است.
- در مثال دوم، «*on*» به معنی «در» است.
- در مثال سوم، «*on*» به معنی «در روز» است.

با توجه به این نکته، باید در انتخاب ترجمه مناسب برای «*on*» دقت کافی داشته باشید.

### برای مکان در انگلیسی *at* حرف اضافه

| Preposition | Usages | Examples |
|-------------|--------|----------|
|             |        |          |

|    |                                  |                                                                                                                                                                                                            |
|----|----------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| At | For events<br>برای یک رویداد     | I'm <u>at the stadium</u> .<br>من توی استادیوم هستم.<br>I will see you <u>at the disco</u> .<br>تو رو در دیسکو خواهم دید.                                                                                  |
|    | Meaning "next to"<br>معنی کنار   | I'm standing <u>at the door</u> .<br>من دم در ایستاده‌ام.                                                                                                                                                  |
|    | Somewhere typical<br>یک جای مشخص | I am <u>at school</u> , while my parents are <u>at work</u> .<br>من مدرسه هستم، در حالی که والدین من سر کار هستند.<br>Jim is watching movie <u>at the cinema</u> .<br>جیم داره فیلم تماشا می‌کنه در سینما. |

حرف اضافه «at» برای مکان در انگلیسی:

حرف اضافه «at» در زبان انگلیسی کاربردهای مختلفی دارد که یکی از آنها اشاره به مکان است.

کاربردهای «at» برای بیان مکان:

۱. مکان‌های خاص:

at the house در خانه

at the park در پارک

at the beach در ساحل

at the store در فروشگاه

at the library در کتابخانه

۲. مکان‌های عمومی:

at the bus stop در ایستگاه اتوبوس

at the train station در ایستگاه قطار

at the airport در فرودگاه

at the corner در گوشه

at the intersection در تقاطع

۳. موقعیت‌های خاص:

at work در محل کار

at school در مدرسه

at home در خانه

at the doctor's office در مطب دکتر

at the dentist's office در مطب دندانپزشک

**برای مکان در انگلیسی at مثال‌های بیشتر حرف اضافه**

at the top of the mountain در بالای کوه

at the bottom of the sea در اعماق دریا

at the end of the street در انتهای خیابان

at the beginning of the story در ابتدای داستان

at the same time در همان زمان

**نکته حرف اضافه at برای مکان در انگلیسی:**

• حرف اضافه "at" معانی مختلفی دارد و بستگی به مورد استفاده آن ترجمه آن متفاوت خواهد بود.

The book is on the table. کتاب روی میز است.

I live at the beach. من در ساحل زندگی می‌کنم.

The meeting is at 10 a.m. جلسه در ساعت ۱۰ صبح است.

**در هر کدام از این مثال‌ها، "at" معنی متفاوتی دارد.**

• در مثال اول، "at" به معنی «روی» است.

• در مثال دوم، "at" به معنی «در» است.

• در مثال سوم، "at" به معنی «در ساعت» است.

با توجه به این نکته، باید در انتخاب ترجمه مناسب برای "at" دقت کافی داشته باشید.

**حرف اضافه «behind» برای مکان در انگلیسی:**

| Preposition | Usages                                                                        | Examples                                                                                                                                                                     |
|-------------|-------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| Behind      | At/ toward the back of something/ someone<br><br>پشت در یا به سمت چیزی یا کسی | There is a big box <u>behind the car</u> .<br>یک جعبه بزرگ پشت ماشین است.<br><br>Can you see the street <u>behind the building</u> ?<br>می‌تونی خیابان رو ببینی پشت ساختمان؟ |

**حرف اضافه «behind» در زبان انگلیسی برای اشاره به مکانی در پشت یک چیز دیگر استفاده می‌شود.**

**کاربردهای «behind» برای بیان مکان:**

## ۱. اشیاء:

*The cat is behind the chair.* گربه پشت صندلی است.

*The book is behind the vase.* کتاب پشت گلدان است.

*The car is behind the truck.* ماشین پشت کامیون است.

## ۲. مکان‌ها:

*The house is behind the trees.* خانه پشت درختان است.

*The mountain is behind the city.* کوه پشت شهر است.

*The store is behind the park.* فروشگاه پشت پارک است.

## ۳. موقعیت‌های خاص:

*He is standing behind me.* او پشت سر من ایستاده است.

*The truth is behind all the lies.* حقیقت پشت تمام دروغ‌ها است.

*The reason is behind the decision.* دلیل پشت تصمیم است.

## نکات مهم:

- *"behind"* معمولاً با اسم می‌آید و قبل از ضمائر از *"it"* استفاده می‌شود.

## مثال:

*The book is behind the vase.*

کتاب پشت گلدان است.

*It is behind the vase.*

آن پشت گلدان است.

*"behind"* معنی "پشت سر" یا "عقب‌تر از" را می‌دهد.

*He is standing behind me.*

او پشت سر من ایستاده است.

*The car is behind the truck.*

ماشین عقب‌تر از کامیون است.

با استفاده درست از حرف اضافه *"behind"* برای بیان مکان، می‌توانید به وضوح و دقت در گفتار و نوشتار خود دست پیدا کنید.

## مثال‌های بیشتر:

*behind the scenes* پشت پرده

*behind the times* عقب‌افتاده

*behind schedule* عقب‌افتاده از برنامه

*behind closed doors* پشت درهای بسته

در پشت خطوط دشمن *behind enemy lines*

" در انگلیسی: *in front of* حرف اضافه "

**حرف اضافه «in front of»** در زبان انگلیسی برای اشاره به **مکانی در جلوی** یک چیز دیگر استفاده می‌شود.

**کاربردهای «in front of» برای بیان مکان:**

**۱. اشیاء:**

*The cat is in front of the chair.*

گربه جلوی صندلی است.

*The book is in front of the vase.*

کتاب جلوی گلدان است.

*The car is in front of the truck.*

ماشین جلوی کامیون است.

**۲. مکان‌ها:**

*The house is in front of the trees.*

خانه جلوی درختان است.

*The mountain is in front of the city.*

کوه جلوی شهر است.

*The store is in front of the park.*

فروشگاه جلوی پارک است.

**۳. موقعیت‌های خاص:**

*He is standing in front of me.*

او جلوی من ایستاده است.

*The truth is in front of us.*

حقیقت جلوی ما است.

*The goal is in front of the team.*

هدف جلوی تیم است.

**نکات مهم:**

• *"in front of"* معمولاً با اسم می‌آید و قبل از ضمائر از *"it"* استفاده می‌شود.

مثال:

*The book is in front of the vase.*

کتاب جلوی گلدان است.

*It is in front of the vase.*

آن جلوی گلدان است.

معنی "جلوی" یا "روبه روی" را می‌دهد "in front of".

*He is standing in front of me.*

او جلوی من ایستاده است.

*The car is in front of the truck.*

ماشین روبه روی کامیون است.

با استفاده درست از حرف اضافه "in front of" برای بیان مکان، می‌توانید به وضوح و دقت در گفتار و نوشتار خود دست پیدا کنید.

**مثال‌های بیشتر حرف اضافه in front of در انگلیسی:**

جلوی آینه *in front of the mirror*

جلوی جمعیت *in front of the crowd*

جلوی دوربین *in front of the camera*

جلوی ساختمان *in front of the building*

جلوی دروازه *in front of the gate*

| Preposition | Usages                                 | Examples                                                                                                                                                      |
|-------------|----------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| In front of | The opposite of behind<br>متضاد behind | The rabbit is <b>in front of</b> the tree.<br>خرگوش روبروی درخت است.<br>The girl is standing <b>in front of the mirror</b> .<br>دختر روبروی آینه ایستاده است. |

در انگلیسی "under" حرف اضافه:

حرف اضافه "under" در زبان انگلیسی کاربردهای مختلفی دارد که یکی از آنها اشاره به مکان است.

کاربردهای "under" برای بیان مکان:

1. زیر اشیاء:

*The cat is under the table.* گربه زیر میز است.

*The book is under the chair.* کتاب زیر صندلی است.

*The car is under the tree.* ماشین زیر درخت است.

2. زیر سطوح:

*The water is under the bridge.* آب زیر پل است.

*The treasure is buried under the ground.* گنج زیر زمین دفن شده است.

The roots of the tree are under the soil. ریشه‌های درخت زیر خاک است.

3. در موقعیت‌های خاص:

He is under my control. او تحت کنترل من است.

The country is under martial law. کشور تحت حکومت نظامی است.

The project is under development. پروژه در حال توسعه است.

نکات مهم حرف اضافه under در انگلیسی:

"under" معمولاً با اسم می‌آید و قبل از ضمائر از "it" استفاده می‌شود.

مثال:

The book is under the chair. کتاب زیر صندلی است.

It is under the chair. آن زیر صندلی است.

"under" معنی «زیر» یا «پایین‌تر از» را می‌دهد.

The cat is under the table. گربه زیر میز است.

The temperature is under zero. دما زیر صفر است.

با استفاده درست از حرف اضافه "under" برای بیان مکان، می‌توانید به وضوح و دقت در گفتار و نوشتار خود دست پیدا کنید.

مثال‌های بیشتر حرف اضافه under در انگلیسی:

under the sea زیر دریا

under the sky زیر آسمان

under the influence of drugs تحت تأثیر مواد مخدر

under pressure تحت فشار

under construction در حال ساخت

| Preposition | Usages                                                                                        | Examples                                                                                                                                                |
|-------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| Under       | <p>Below the surface of something/ covered by something</p> <p>پوشیده زیر سطحی یا از چیزی</p> | <p>The ball is <u>under the tree</u>.</p> <p>توپ زیر درخت است.</p> <p>There are some flowers <u>under the chair</u>.</p> <p>چندتا گل زیر صندلی است.</p> |

" در انگلیسی: above حرف اضافه "

حرف اضافه «above» در زبان انگلیسی کاربردهای مختلفی دارد که یکی از آنها اشاره به مکان است.

کاربردهای «above» برای بیان مکان:

### ۱. بالای اشیاء:

*The bird is flying above the house.*

پرنده بالای خانه پرواز می‌کند.

*The clouds are above the mountain.*

ابرها بالای کوه هستند.

*The plane is flying above the city.*

هواپیما بالای شهر پرواز می‌کند.

### ۲. بالای سطوح:

*The water is above the sea level.*

آب بالای سطح دریا است.

*The temperature is above freezing.*

دما بالای نقطه انجماد است.

*The price is above my budget.*

قیمت بالاتر از بودجه من است.

### ۳. در موقعیت‌های خاص:

*He is above average.*

او بالاتر از حد متوسط است.

*The law is above all.*

قانون بالاتر از همه چیز است.

*She is above reproach.*

او بی‌عیب و نقص است.

### نکات مهم حرف اضافه above در انگلیسی:

“above” معمولاً با اسم می‌آید و قبل از ضمائر از “it” استفاده می‌شود.

مثال:

*The bird is flying above the house.*

پرنده بالای خانه پرواز می‌کند.

*It is above the house.*

آن بالای خانه است.

“above” معنی «بالا» یا «بالاتر از» را می‌دهد.

The clouds are above the mountain.

ابرها بالای کوه هستند.

My score is above yours.

نمره من بالاتر از نمره شما است.

با استفاده درست از حرف اضافه "above" برای بیان مکان، می‌توانید به وضوح و دقت در گفتار و نوشتار خود دست پیدا کنید.

### مثال‌های بیشتر حرف اضافه above در انگلیسی::

above the clouds ابرها

above the law فراتر از قانون

above all else قبل از هر چیز

above and beyond فراتر از انتظار

above sea level بالاتر از سطح دریا

| Preposition | Usages                                                                                                            | Examples                                                                                                                                                                                  |
|-------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| Above       | To a higher level than something/ someone opposite with below<br><br>سطح بالاتر از چیزی یا کسی<br><br>below متضاد | The plane is flying <u>above the tree</u> .<br>هواپیما بالا سر درخت داره پرواز می‌کنه.<br><br>Please turn on the projector <u>above your head</u> .<br>لطفا پروژکتور بالای سرت رو روشن کن |

" در انگلیسی: across حرف اضافه "

**حرف اضافه «across»** در زبان انگلیسی کاربردهای مختلفی دارد که یکی از آنها اشاره به مکان است.

کاربردهای «across» از نظر مکان:

#### ۱. عبور از چیزی:

The cat is walking across the street.

گربه در حال عبور از خیابان است.

The bird flew across the river.

پرنده از عرض رودخانه عبور کرد.

The bridge goes across the canyon.

پل از عرض دره می‌گذرد.

#### ۲. در عرض چیزی:

The road goes across the country.

جاده از عرض کشور عبور می‌کند.

*The train travels across the continent.*

قطار در عرض قاره سفر می‌کند.

*The wind is blowing across the field.*

باد در عرض مزرعه می‌وزد.

**۳. در موقعیت‌های خاص:**

*He lives across the street from me.*

او روبروی من زندگی می‌کند.

*We have different views across the issue.*

ما در مورد این موضوع نظرات متفاوتی داریم.

*The company is expanding across the globe.*

شرکت در حال گسترش در سراسر جهان است.

**نکات مهم حرف اضافه across در انگلیسی:**

”across“ معمولاً با اسم می‌آید و قبل از ضمائر از ”it“ استفاده می‌شود.

**مثال:**

*The cat is walking across the street.*

گربه در حال عبور از خیابان است.

*It is across the street.*

آن روبروی خیابان است.

”across“ معنی ”از عرض“ یا ”در طول“ را می‌دهد.

*The bird flew across the river.*

پرنده از عرض رودخانه عبور کرد.

*The road goes across the country.*

جاده از عرض کشور عبور می‌کند.

با استفاده درست از حرف اضافه ”across“ برای بیان مکان، می‌توانید به وضوح و دقت در گفتار و نوشتار خود دست پیدا کنید.

**مثال‌های بیشتر حرف اضافه across در انگلیسی:**

across the board در همه موارد

across the ages در طول قرون

across the spectrum در سراسر طیف

across the globe در سراسر جهان

آن طرف مرز across the border

| Preposition | Usages                                                                     | Examples                                                                                                                                                                                                                                    |
|-------------|----------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| Across      | From one side to the other side of something<br>از یک سمت به سمت دیگر چیزی | The duck is swimming <u>across the lake</u> .<br>اردک داره شنا از اینور تا اونور دریاچه رو شنا می‌کنه.<br>The boy helped his grandma walk <u>across the crowded street</u> .<br>پسر مادر بزرگش رو کمک کرد که تا اونور خیابان شلوغ راه برود. |

" در انگلیسی: into حرف اضافه "

**حرف اضافه «into»** در زبان انگلیسی کاربردهای مختلفی دارد که یکی از آنها اشاره به حرکت به داخل یک مکان یا چیز دیگر است.

کاربردهای «into» برای بیان حرکت به داخل:

#### ۱. ورود به مکان‌های خاص:

He walked into the room.

او وارد اتاق شد.

The cat jumped into the box.

گربه داخل جعبه پرید.

The car drove into the garage.

ماشین وارد گاراژ شد.

#### ۲. ورود به مکان‌های عمومی:

She went into the park.

او به پارک رفت.

They entered into the store.

آنها وارد فروشگاه شدند.

The train pulled into the station.

قطار وارد ایستگاه شد.

#### ۳. ورود به موقعیت‌های خاص:

He was born into a wealthy family.

او در خانواده ثروتمندی متولد شد.

She got into trouble.

او دچار مشکل شد.

The company is expanding into new markets.

شرکت در حال گسترش به بازارهای جدید است.

### نکات مهم حرف اضافه into در انگلیسی:

”into“ معمولاً با فعل می‌آید و نشان‌دهنده حرکت به داخل یک مکان یا چیز دیگر است.

”into“ معنی «به داخل» یا «درون» را می‌دهد.

با استفاده درست از حرف اضافه ”into“ برای بیان حرکت به داخل، می‌توانید به وضوح و دقت در گفتار و نوشتار خود دست پیدا کنید.

### مثال‌های بیشتر حرف اضافه into در انگلیسی:

into the woods به داخل جنگل

into the fire به داخل آتش

into the water به داخل آب

into the sky به داخل آسمان

into the future به سوی آینده

### توجه:

”into“ معانی دیگر نیز دارد، مانند «تبدیل شدن به» یا «تقسیم کردن به».

The water turned into ice. آب به یخ تبدیل شد.

He cut the cake into four pieces. او کیک را به چهار قسمت تقسیم کرد.

در هر مورد، باید با توجه به مورد استفاده معنی مناسب ”into“ را انتخاب کنید.

| Preposition | Usages                                                    | Examples                                                                                                                                                                                    |
|-------------|-----------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| Into        | To a position in/ inside something<br>در موقعیت داخل چیزی | Throw the trash <u>into the dustbin please.</u><br>بنداز آشغال رو توی سطل آشغال لطفا.<br>I can't go <u>into the water</u> since it's too cold.<br>من نمی‌تونم برم توی آب وقتی که خیلی سرده. |

برای اینکه گرامر انگلیسی رو کامل یاد بگیرید پکیج گرامر صفر تا صد راسا زبان رو پیشنهاد میدم.

[تهیه پکیج گرامر صفر تا صد گرامر راسا زبان](#)